Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 3, Spring 2023, 131-162
DOI: 10.21859/priw-140306

# The role of the discourse of political Islam in the conceptual transformation of "work" and the de-proletarianization of the labor force in Iran after the revolution

**Fatemeh Forootan[1], Mohammadali Tavana[2]**

**Date of Received**: 2024/03/04 **Date of Acceptance**: 2024/09/01

## Abstract

The workers played an effective role in the victory of the 1979 Iranian revolution, but after the revolution, they were pushed to the edge. In order to answer the question how did the process of depoliticization of workers happen in Iran after the revolution and what was the role of the ideological space and especially the interpretation of political Islam about work and worker in the process of depoliticization of work and worker? this article, articulated this hypothesis that holistic interpretation of the discourse of political Islam about the ummah on the one hand and dealing with marxist idealogy on the othe other hand had a key role in the process of depoliticization of work and worker because ummah-centered interpretation did not provide a place for workers to differentiate and act independently in the form of labor movements and unions. Also, the empowerment of workers in the form of Marxist idealogy was recognized dangerous for the information of an Islamic society. Therefore, organizing workers as an independent class (for itself) was prevented. At the intellectual level, the discourse of political Islam interprets the concept of work not as a

1. PhD in Political Thought, University of Shiraz, Iran. forootan1371@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Shiraz University (Responsible author) , tavana.mohammad@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

customary act for earning a living but as a devine act that transcends the soul and serves the Islamic community. Overall, findings show that the discourse of political Islam has advanced the process of depoliticization of work and worker in two ways: One is the change of dual oppositions, for example the change of capitalist-worker to arrogant-oppressed; and the other one was giving Islamic identity to worker's action in the form of slogans such as: "work is worship of god". Such a process continued in almost all governments after the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Iran, 1979 revolution, discourse of political Islam, proletariat, Marxism, work, workers, class for itself.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۶۲ – ۱۳۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۶

# نقش گفتمان اسلام سیاسی در تحول مفهومی «کار» و پرولتاریازدایی از نیروی کار در ایران پس از انقلاب

**فاطمه فروتن**[۱]
**محمدعلی توانا**[۲]

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱**

## چکیده

کارگران در پیروزی انقلاب ۵۷ ایران، نقش مؤثری داشتند اما پس از انقلاب در حاشیه سیاست‌ورزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. مقاله حاضر در پاسخ به سوال فرایند سیاست‌زدایی از کارگران در ایران بعد از انقلاب چگونه رخ داد و نقش فضای ایدئولوژیک و به ویژه تفسیر اسلام سیاسی از کار و کارگر چه نقشی در فرآیند پرولتاریازدایی از کار و کارگر داشته است؟ این فرضیه را طرح می‌نماید که تفسیر کل‌گرایانه گفتمان اسلام سیاسی از امت از یکسو و مقابله با ایدئولوژی مارکسیسم از سوی دیگر در فرایند پرولتاریازدایی از کار و کارگر نقش اساسی داشته است.تفسیر امت‌محور، جایگاهی برای متمایزسازی و کنش‌ورزی مستقلانه برای کارگران در قالب جنبش و اتحادیه‌های کارگری قائل نبود. همچنین قدرت‌یابی کارگران در قالب ایدئولوژی مارکسیستی برای شکل‌گیری جامعه اسلامی خطرناک تشخیص داده شد، بنابراین تلاش شد از سازماندهی کارگران در قالب طبقه‌ای برای خود جلوگیری شود. همچنین در سطح فکری نیز گفتمان اسلام سیاسی مفهوم «کار» را نه به مثابه کنش عرفی برای امرار معیشت بلکه به مثابه کنش الهی استعلاگر روح و در خدمت جامعه اسلامی تفسیر می‌کند. لذا بنا به یافته‌های پژوهش این نتیجه قابل حصول است که گفتمان اسلام سیاسی از دو طریق فرایند پرولتاریازدایی کار و کارگر را به پیش‌برده است؛ یکی تغییر تقابل‌های دوگانه؛ برای مثال تغییر سرمایه‌دار–کارگر به مستکبر–مستضعف؛ و دیگری از طریق هویت‌دهی اسلامی به کنش کارگران در قالب شعارهایی همچون کار عبادت الهی است. چنین فرایندی تقریباً در تمامی دولت‌های پس از جمهوری اسلامی ایران تدوام یافته است.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، انقلاب ۵۷، گفتمان اسلام سیاسی، پرولتاریا، مارکسیسم، کار، کارگران، طبقه برای خود.

۱. دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه شیراز، ایران forootan1371@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز(نویسنده مسئول) ، tavana.mohammad@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

**مقدمه:**

نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران حکایت از آن دارد که در کشور ما همواره سعی نظام سیاسی حاکم بر آن بوده تا به طرق گوناگون، طبقه کارگر ایرانی به‌دور از سیاست و در حاشیه آن نگاه داشته شود؛ حال‌آنکه کارگران ایرانی به تأثیر از فضای بین‌المللی حاصل از گسترش روابط ایران با غرب در عصر قاجار و ورود موجی از مدرنیزاسیون اجتماعی و اقتصادی به ایران عصر پسا مشروطه که صنعتی کردن ساختارهای کشور را دنبال می‌کرد و نیز اشاعه افکار جدیدی در قالب ایدئولوژی‌های لیبرالیستی، ناسیونالیستی و به‌ویژه مارکسیستی در پی وقوع تحولاتی همچون پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه، در قالب یک طبقه جدید سازمان یافته و نخستین حزب کمونیست ایران را در سال ۱۲۸۹ه.ش متشکل از کارگران چاپخانه‌های تهران تشکیل دادند و با انتشار روزنامه اتفاق کارگران، ضمن فراخواندن کارگران و دهقانان ایران به تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، آن‌ها را به مبارزه با غرب و سرمایه‌داری و حکومت مستقر در ایران به‌عنوان دست‌نشانده امپریالیسم غربی طلبیدند و دفاع از قشر کارگر و زحمت‌کش جامعه و مبارزه برای ایجاد نظم، برابری و عدالت را هدف اصلی خویش قرار دادند؛ هرچند که افکار آنها به‌علت اتکای بر ماتریالیسم دیالکتیکی برخاسته از اندیشه‌های سوسیالیستی که سنت و مذهب را مورد هجوم خویش قرار می‌داد، نتوانست چندان مورد اقبال افکار عمومی در داخل کشور واقع شود.آن‌ها همچنین در زمان پهلوی اول و تعقیب سیاست مقابله با هرگونه تهدید احتمالی ازسوی نهادهای موجود از طرف او و نیز تصویب لایحه‌ای ضدکمونیستی در مجلس سال ۱۳۱۰ که به‌موجب آن هرگونه تشکیل و فعالیت اتحادیه کارگری و کارفرمایی ممنوع اعلام شده بود، تحت تعقیب قرار گرفتند؛ به طوری‌که بیش‌از دوهزار عضو حزب و حتی کسانی که مظنون به عضویت در حزب بودند دستگیر شدند. این روند به‌طور خاص در عصر پهلوی دوم پس‌از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و امنیتی شدن مسائل و موضوعات کارگری نمود بیشتری یافت و حتی تلاش حکومت برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری دولتی با هدف جلوگیری از رشد سوسیالیسم و تأمین امنیت حکومت، موجب سرکوب کارگران بیشتری شد.البته در دهه‌ی ۵۰ به واسطه افزایش درآمدهای نفتی دولت و با تأسیس حزب دولت‌ساخته رستاخیز، حکومت تلاش می‌کند تا با اتکای بر سیاست حمایت از کارگران در قالب تضمین امنیت شغلی آن‌ها و فروش سهام برخی کارخانه‌های خصوصی و دولتی به آنها تغییراتی در نوع مواجهه با کارگران ایجاد تا آن‌ها را علاوه بر دور نگه داشتن از سیاست به هواداران فعال نظام تبدیل کند. این در حالی بود که رکود اقتصادی حاصل از برنامه‌های بلندپروازانه شاه پس از افزایش ناگهانی درآمد نفت در واپسین سال‌های حکومت پهلوی دوم که به تدریج کاهش دستمزدهای واقعی و

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

افزایش بیکاری قابل ملاحظه کارگران را در پی داشت، سبب شده بود تا کارگران هم‌پای سایر اقشار جامعه در تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی شرکت و با سرعت بیشتری به تشکیل کمیته‌های کارگری اقدام کنند و با اعتصابات و فعالیت‌های سیاسی خود موجبات فلج شدن کارخانجات و صنایع کشور را فراهم آورند و به پیروزی انقلاب کمک کنند. اما علیرغم نقش مؤثر آنها در به ثمر نشستن مبارزات انقلابی، به‌سرعت پس از پیروزی انقلاب و با ابراز نگرانی دولت موقت از قدرت شوراهای کارگری و نیز واهمه‌ی شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی ایران از تعمیق نفوذ گروه‌های چپ در میان کارگران و طرح این استدلال که هر تشکل کارگری ممکن است متأثر از جناح چپ و یا وابسته به آن عمل کند، دوباره کارگران به حاشیه رانده شدند. این روند با انحلال شوراهای کارگری مستقل و ایجاد تشکیلات کارگری وابسته به حکومت، سرعت و شدت بیشتری یافت.

با این توضیحات، این مقاله ضمن اذعان به سیاست‌زدوده شدن کارگران در ایران بعد از انقلاب، به منظور ارائه پاسخ به این پرسش که فرایند سیاست‌زدایی از کارگران در ایران بعد از انقلاب چگونه رخ داد و نقش فضای ایدئولوژیک و به ویژه تفسیر اسلام سیاسی از کار و کارگر چه نقشی در فرآیند پرولتاریازدایی از کار و کارگر داشته است؟ این فرضیه را مورد سنجش قرار می‌دهد که تفسیر کل‌گرایانه گفتمان اسلام سیاسی از امت از یکسو و مقابله با ایدئولوژی مارکسیسم از سوی دیگر در فرایند پرولتاریازدایی از کار و کارگر نقش اساسی داشته است. تفسیر امت‌محور، جایگاهی برای متمایزسازی و کنش‌ورزی مستقلانه برای کارگران در قالب جنبش و اتحادیه‌های کارگری قائل نبود. همچنین قدرت‌یابی کارگران در قالب ایدئولوژی مارکسیستی برای شکل‌گیری جامعه اسلامی خطرناک تشخیص داده شد، بنابراین تلاش شد از سازماندهی کارگران در قالب طبقه‌ای برای خود[1] جلوگیری شود. همچنین در سطح فکری نیز گفتمان اسلام سیاسی مفهوم «کار» را از کنش عرفی برای امرار معیشت به کنش الهی استعلاگر روح و در خدمت جامعه اسلامی تفسیر کرد.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول تلاش کارگران برای تشکل خویش در قالب طبقه‌ای برای خود در ایران بعد از انقلاب را نشان می‌دهد. بخش دوم از واکنش گفتمان اسلام سیاسی بعنوان گفتمان حاکم در ج.ا.ا نسبت به این روند و چگونگی تلاش آن برای تغییر هویت کارگران در درون هویت اسلامی بحث خواهد کرد و در بخش نهایی تداوم این روند به شیوه‌های مختلف در درون خرده‌گفتمان‌های اسلام سیاسی نشان داده خواهد شد.

1. Class for Itself

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

**نوآوری و پیشینه تحقیق:**

سابقه و ادبیات پژوهشی موضوع نشان از آن دارد که اگرچه در خصوص محدودیت‌های اعمال شده نسبت به تشکیلات کارگری و قدرت سازمانی کارگران در ایران بعد از انقلاب اسلامی آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است اما آنچه باعث تمایز مقاله حاضر از سایر آثار شده و بدان بداعت می‌بخشد، تمرکز خاص بر تحلیل مفهوم کار و نیروی کار در فضای ایدئولوژیک بعد از انقلاب اسلامی است که بدان مفهومی متمایز از تفاسیر مارکسیستی بخشید. در عین حال، اشاره به برخی از مهم‌ترین آثاری که با جوانبی از موضوع مورد بحث در ارتباط است، موضوعیت می‌یابد.

علی اشرف نظری و دیگران(۱۴۰۰) در مقاله "رویکرد جنبش‌های اجتماعی و سندیکاهای کارگری پس‌از انقلاب اسلامی" با بررسی تشکل‌های کارگری در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۹۷ تضعیف سندیکاهای کارگری در ایران بعداز انقلاب را نتیجه عواملی همچون ضعف درونی طبقه کارگر، تصویب قانون کار ضعیف،شرایط بحرانی حاصل از جنگ تحمیلی و جایگزینی شوراهای کارگری با شوراهای اسلامی کار می‌دانند.

استلا.ام.مورگانا(۲۰۲۰)در مقاله"تولید و مصرف در جمهوری اسلامی؛ اسطوره پیروزی دهه۱۹۹۰در حوزه‌ی عمومی ایرانیان و آثار آن بر کارگران" با تحلیل سخنان هاشمی رفسنجانی در دوره ریاست‌جمهوری خود و نیز تحلیل محتوای روزنامه‌ها و نشریات منتشر شده در این دوره به این نتیجه می‌رسد که تأکید بر مقولاتی همچون رشد، افزایش تولید و بهره‌وری با تمرکز بر اقتصاد بازار و فرهنگ مصرفی، گشودن درهای کشور به روی سرمایه‌های خارجی و تشویق فردگرایی و فرهنگ رقابت به‌منظور بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ وایجاد قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت از کار و تدوین قوانین کاری که حامی کارفرمایان است و هر گونه فعالیت اعتراضی کارگران همچون اعتصاب و کاهش عمدی تولید و ایجاد تشکلات مستقل کارگری را نیز ممنوع اعلام می‌کند، باعث چند پارگی کارگران و از میان رفتن شانس هم‌بستگی جمعی میان آن‌ها شده‌است.

یوسف اباذری و علیرضا خیرالهی(۱۳۹۵) در مقاله "قدرت سازمانی کارگران ایرانی در سال‌های پس از انقلاب" با اذعان به اینکه تشکل‌زدایی از نیروی کار به یکی از ویژگی‌های اصلی و مشترک نظام‌های اقتصادی در جهان طی چند دهه اخیر تبدیل شده، معتقدند که کارگران در ایران بعد از انقلاب علی‌رغم برخورداری از نقش فعال در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست زدوده شدند؛ بطوریکه نه‌تنها تشکل‌های موجود کارگری شدیداً وابسته به دولت و کارفرمایان است و شرایط عضویت و حق انتخاب

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

شدن در آن‌ها آزادانه نیست بلکه این تشکل‌ها از وظایف و اختیارات شدیداً محدودی برخوردارند که به موجب آن، حق برپایی اعتراضات کارگری و یا اعتصاب در محل کار را ندارند و عملاً نمی‌توانند سازمان‌دهنده قدرت طبقات کارگر ایرانی باشند.

منصور معدل(۱۹۹۱) در مقاله "منازعات طبقاتی در ایران پسا انقلابی" به منازعات و تضادهایی می‌پردازد که در ایران بعد از انقلاب از یک‌سو در میان دهقانان و زمین‌داران در حومه‌ی شهر و ازسوی دیگر در میان کارگران و کارفرمایان در شهرها و خصوصاً در شرکت نفت پیرامون مسائل محوری همچون اصلاحات ارضی، تدوین قانون کار و ملی کردن تجارت خارجی حادث شد. معدل یادآور می‌شود نظام تازه‌تأسیس، علی‌رغم این‌که بلافاصله در سال‌های نخست بعد از پیروزی انقلاب با دادن وعده‌هایی مبنی‌بر ایجاد عدالت اجتماعی و برابری اقتصادی سعی داشت تا منازعات را به نفع طبقه کارگر و دهقان به پایان برساند اما با آغاز جنگ تحمیلی و پس‌از پایان جنگ، با جانب‌داری از بورژوازی و سرمایه‌داری به سرکوب سیستماتیک خواسته‌های طبقه کارگر و دهقان روی می‌آورد و از وعده‌های اولیه‌ی خود عدول می‌کند.

طبق توضیحات فوق، پژوهش حاضر با تلاش برای تبیین روندها، تحولات و سیاست‌های مورد اتکای گفتمان اسلام سیاسی برای سیاست‌زدوده کردن کارگران از سایر آثار مشابه متمایز خواهد شد.

## روش تحقیق

بنا به هدف مقاله که بررسی یک پدیده و فرآیندهای منتهی به آن در ایران بعد از انقلاب است، روش تحقیق، کیفی و از نوع مطالعات اسنادی با اتکا به رویکرد مطالعه تاریخی به شیوه روایتی است. بنابراین روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای مبتنی بر مراجعه به کتب و مقالات فارسی و انگلیسی منتشر شده در این زمینه است.

## مبانی نظری: تحلیل گفتمان[1]

در پی نارضایتی از استعمال رویکردهای اثبات‌گرایانه[2] در رشته‌هایی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از یکسو و ظهور و پیدایش نظریات هرمنوتیک، انتقادی و پسا ساختارگرایی[3] در دهه‌های ۱۹۶۰ و

1. Discourse Analysis
2. Positivist Approaches
3. Post Structuralism



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

۱۹۷۰.م. از سوی دیگر، نظریه گفتمان[1] با تکیه بر نقش زبان در بازنمایی و ایجاد واقعیت اجتماعی شکل گرفت. در نظریه گفتمان، دسترسی به واقعیت از طریق زبان، امکان‌پذیر خواهد بود؛ ضمن آنکه جهان نیز محصول گفتمان تلقی خواهد شد؛ به این معنا که گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرآیند معنابخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند(حسینی‌زاده،۱۳۸۳: ۱۸۲). بعبارت دیگر،گفتمان را می‌توان شیوه‌ای هرچند آگاهانه از کاربرد زبان دانست که مجموعه‌ای خاص از باورها و یا مسائل تاریخی و فرهنگی را شامل می‌شود(وارد،۱۳۹۳: ۲۸۵).

درحقیقت، نظریه گفتمان بر آن است تا چگونگی پیدایش، بسط و تحول اندیشه‌ها را به عنوان یک گفتمان که سازنده معانی و فعالیت‌های سیاسی است، درک و تبیین کند؛ چراکه مطابق این نظریه، معانی واژه‌ها، اشیاء و فعالیت‌ها در صورتی قابل فهم هستند که در حوزه گفتمانی خاص قرار گیرند. لذا، درک هر فرآیندی از جمله فرآیند بسط و تحول اندیشه‌ها متوقف بر درک گفتمانی است که فرآیند درون آن رخ داده است.بنابراین، گفتمان با بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی و نیز بررسی روشی که نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها، طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان را در جامعه شکل می‌دهد، به تجزیه- تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد(اخوان‌کاظمی،۱۳۹۱: ۵-۳).

بدین وصف، گفتمان‌ها نظام‌های کنترل شده‌ای برای تولید آگاهی‌اند که علاوه بر محدود ساختن هر آنچه که قابل گفتن است، به تعریف آنچه گزاره صحیح یا ناصحیح به حساب می‌آید می‌پردازند (وارد،۱۳۹۳: ۱۹۲). مطابق رویکرد تحلیل گفتمانی لاکلا[2] و موفه[3] که پرکاربردترین نوع تحلیل گفتمانی است، در هر جامعه‌ای نیروهای سیاسی متعددی وجود دارند که هر یک به گفتمان خاصی تعلق دارند و در تخاصم با یکدیگر به سر می‌برند. اما از میان این گفتمان‌های متعدد، نهایتاً یکی از گفتمانهاست که خصلت هژمونیک یافته و بر بقیه گفتمان‌ها مسلط شده و به سرکوب و در حاشیه قرار دادن آنها می‌پردازد که به این عمل، اصطلاحاً رسوب شدگی[4] گفتمان غالب می‌گویند؛ درحقیقت، گفتمان‌ها برای هژمونیک شدن به تولید معنا می‌پردازند و با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، دشمن را حذف و طرد می‌کنند. این عمل با تأثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها، تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص صورت

1. Discourse
2. Ernesto Laclau
3. Chantal Mouffe
4. Sedimentation



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

میگیرد؛ بدین‌ترتیب، مدلول خاصی به دال مرکزی گفتمان می‌چسبد و آن را هژمونیک می‌کند و همزمان، دال مرکزی گفتمان رقیب از مدلول خود جدا شده که حاصل آن، ساختارشکنی گفتمان رقیب خواهد بود(سلطانی،۱۳۸۴: ۱۵۶). البته هیچ گفتمانی هرگز به صورت دائمی تثبیت نخواهد شد و نزاع با دیگر گفتمان‌هایی که قبلاً طرد شده‌اند، به محض ایجاد بحران و بی قراری در گفتمان مسلط همواره وجود خواهد داشت و فضایی تخاصم‌آمیز میان گفتمان غالب و سایر گفتمان‌های رقیب ظهوری دوباره می‌یابد.

گفتمان‌های رقیب ضمن نقد گفتمان مسلط و سخن راندن از وضع مطلوب (که اصطلاحاً این عمل را اسطوره‌سازی[1] می‌نامند)، می‌کوشند تا خود را جهانشمول و عام و دربرگیرنده تمام دغدغه‌ها و تقاضاهای جامعه نشان دهند و بدین‌ترتیب وجهی استعاری[2] به خود بگیرند. حال آنکه پس از تبدیل به گفتمان مسلط، به ناچار از وجه استعاری و پذیرش عام خود فاصله می‌گیرند؛ چراکه تنها می‌توانند به بخشی از تقاضاها و بی‌قراری‌ها سامان بخشند. البته تبدیل شدن به گفتمان مسلط، نیازمند برخورداری از خصایصی همچون:قابلیت دسترسی[3] و اعتبار[4] است(علیخانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۵۶-۵۵۵). قابلیت دسترسی، معرف توانایی گفتمان رقیب در ایجاد نظمی است که بتواند جایگزین بحران و بی نظمی عمومی ایجاد شده در گفتمان غالب از طریق معنابخشی به دال‌های[5] شناور، مبهم و فاقد معنای مشخص و قرار دادن آنها در دسترس عاملان اجتماعی باشد. اما قابلیت اعتبار به سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان رقیب با اصول بنیادین جامعه اشاره دارد(حسینی زاده، ۱۳۸۳ : ۲۰۲-۲۰۱).

بدین‌وصف، گفتمان‌ها مجموعه‌ای منسجم از اندیشه‌های ناظر بر یک ایدئولوژی‌اند که بنیان‌های معرفت انسان، جهت‌گیری‌ها و راهبردهای عملی در عرصه سیاست و اداره امور را با اتکای بر نظام طبقه‌بندی و حذف، از خود متأثر می‌سازند(اخوان‌کاظمی،۱۳۸۹: ۲۱؛وارد،۱۳۹۳: ۱۹۳).

این مقاله اسلام سیاسی را به مثابه یک گفتمان در نظر می‌گیرد که در رقابت با گفتمان‌های مارکسیستی و لیبرالیستی فهم خاصی از کار ارائه می‌کند. برای این منظور ابتدا جایگاه کار و کارگر درون این گفتمان‌ها و تمایزات آنها نشان داده می‌شود و سپس با مراجعه به منابع زبانی همچون سخنرانی‌ها،روزنامه‌ها و اعلامیه‌های ابتدای انقلاب، نحوه برساخته شدن مفهوم کار و کارگر در درون گفتمان اسلام سیاسی نشان داده می‌شود.

1. Mythopoeia
2. Metaphoric Dimension
3. Availability
4. Credibility
5. Signifiers



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

## پیشینه تاریخی

تاریخ معاصر ایران شاهد رقابت و گه گاه همکاری سه گفتمان لیبرالیستی، سوسیالیستی و اسلام‌گرایانه بوده است. لیبرالیسم در عصر مشروطه در قالب مدرنیته و با مفاهیم نوینی همچون: دموکراسی، آزادی، فردگرایی، حقوق بشر، ایده ترقی و خردباوری به فضای فکری کشور وارد شد و آن را از خود متأثر ساخت.این ایدئولوژی در حوزه اقتصادی به تأثیر از آرای اندیشمندانی همچون آدام اسمیت[1] ضمن تقدم بخشیدن به آزادی کسب‌وکار، مالکیت خصوصی و رقابت، با تأکید بر اصالت بازار به مثابه نهادی خودتعدیلگر و برخوردار از دستی نامرئی، مروج دکترین لسه فر[2] مبنی بر دولت کمینه است که کمترین میزان مداخله در اقتصاد را دارد(احسان‌طلب، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۴). در اقتصاد سیاسی کلاسیک، کار تنها عنصر تعیین‌کننده ارزش است(تئوکاراکیس[3]، ۲۰۱۰: ۱۲)؛زیرا می‌تواند به بهبود شرایط مادی فرد منجر شود(کلارک،۱۳۸۹: ۲۹۴-۲۹۳)لذا علیرغم اینکه کار ذاتاً ناخوشایند است اما انگیزه کسب منافع مادی،اصلی‌ترین عامل محرک نیروی کار در انجام کار است. ضمن اینکه تقسیم کار به اقسامی ساده‌تر و کوچکتر، به علت کمک به تسریع و افزایش حجم تولید و در نتیجه بیشینه کردن ثروت ملی مورد تأکید قرار می‌گیرد(مرادخانی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۸۰).

براین‌اساس،سرمایه‌داران منفعت‌طلب، قلب یک جامعه و مفیدترین افراد جامعه‌اند(هراری، ۱۳۹۷: ۴۳۰-۴۲۹)که با به‌کار گرفتن استعداد و سرمایه خویش در سودآورترین مسیری که تولید کارخانه‌های جدید،ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری در امر تولید است، عملاً منافع کل جامعه را به پیش خواهند راند؛ زیرا هماهنگی منافع در میان ابناء بشر سبب می‌شود که هر شخص با پیگیری منافع شخصی خود به تأمین منافع کل جامعه خدمت کند(زدلاچک، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

اعتماد تام و کامل به قابلیت‌های بازار در اقتصاد سیاسی کلاسیک سبب شده تا هرگونه دخالت در نظم بازار، محکوم به شکست و غیر قابل پذیرش تلقی شود؛براین‌اساس،دخالت در مکانیسم بازار حتی اگر از نوع دخالت‌های انسان‌دوستانه سازمان‌ها و احزاب کارگری باشد نیز تنها به ایجاد اختلال در روند نظام اقتصادی منتهی می‌شود و این امر در مجموع به نفع جامعه نخواهد بود.بنابراین،آن‌ها سازمان‌هایی مزاحم و بی‌موردند که تنها منطق بازار را مختل خواهند کرد(امیرحسینی ۱۳۹۵: ۱۶-۱۱).

1. Adam Smith
2. Laissez-faire
3. J. Nicholas Theocarakis



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

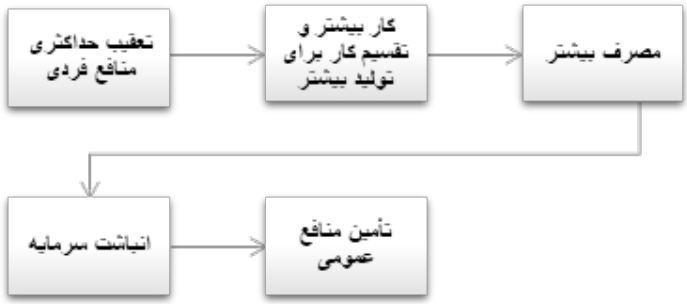


**شکل ۱- جایگاه کار و کارگر در گفتمان لیبرال**

در اعتراض به حاکمیت جریانات لیبرال و منطق بازار آزاد، مارکسیسم با این مفروض ظهور یافت که کار اگرچه یکی از باارزش‌ترین جنبه‌های وجودی انسان است که به تغییر جهان بیرونی مطابق نیاز او و ایجاد پیوند عملی و آگاهانه میان عامل شناسایی[1] و جهان مادی یا موضوع شناسایی[2] می‌انجامد(صالحی و طالب‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۲-۱۶۱؛ سایرز[3]، ۲۰۰۷: ۴۳۲)،اما منطق انباشت ثروت در سرمایه‌داری به‌گونه‌ای است که غالب کارها به عامل تحقیر و ازخودبیگانگی بدل شده‌اند. به‌نظر مارکس، کارفرمایان سودجو به موجب فرآیند تقسیم کار با تبدیل کار به انجام حرکاتی صرفاً تکراری، کار را به امری فروکاسته‌اند که به مهارت و خلاقیت چندانی نیاز ندارد. به‌علاوه چون در این جوامع، نتیجه کار در اختیار سرمایه‌دار قرار می‌گیرد و کارگر از تجلیات مادی کار خود محروم می‌شود به الیناسیون و ازخودبیگانگی دچار می‌شود(کلارک ۱۳۸۹: ۳۰۰-۲۹۹)؛ زیرا در وجه سرمایه‌دارانه تولید که همه چیز در حال خرید و فروش است، کارگر مجبور است برای تضمین بقای خود و جبران فقدان ابزار تولید، قدرت کارش را بفروشد. درنتیجه، ماحصل کار او به دیگران تعلق می‌یابد و همین سبب می‌شود تا کار کارگر عامل آزادی او نباشد، بلکه ابزاری باشد برای تأمین معاش او (باریس کلینک[4]، ۲۰۰۶: ۳۹-۴۹). این امر نهایتاً موجب شورش طبقه کارگر غیر برخوردار علیه طبقه برخوردار یا سرمایه‌داری می‌شود که تمام ماهیت یا ماده وجودی کارگر را تصاحب کرده است. نتیجه‌ی این شورش و تضاد ایجاد وضعیتی است که در آن، دیکتاتوری پرولتاریا و کمونیسم یا جامعه بی‌طبقه حاکم شود(قادری، ۱۳۹۳: ۸۱) و با تغییر مالکیت ابزار تولید از مالکیت فردی به مالکیت عمومی و خارج کردن قدرت اقتصادی از دستان اقلیت و انتقال آن به جامعه، بر

1. Subject
2. Object
3. Sean Sayers
4. Dogan Baris Kilinc

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام


[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

اشتیاق کارگران برای بیشتر کار کردن بیفزاید. لازمه این تغییر و ابزار تحقق آن در رویکردهای مارکسیستی، وجود تشکل‌ها و اتحادیه‌های کارگری خودجوشی است که حافظ منافع کارگران در مقابل کارفرمایان باشد و جامعه را در جهت حرکت به سمت سوسیالیسم آماده کند(امیرحسینی ۱۳۹۵: ۱۰-۷).

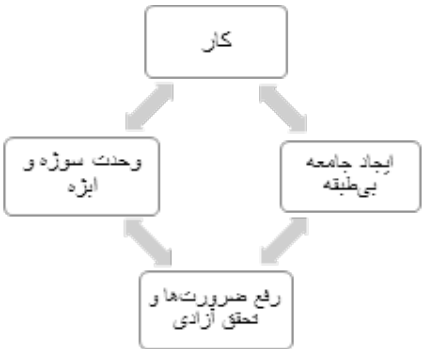


**شکل ۲- جایگاه کار و کارگر در گفتمان مارکسیستی**

از زمان باز شدن درهای ایران به روی غرب و تلاش عباس‌میرزا برای نوسازی ارتش کشور در پی شکست از روس، کشور ما نیز به عرصه ظهور و بروز گفتمان‌های رقیب لیبرالیسم و سوسیالیسم تبدیل شد که علاوه بر ایجاد رویارویی میان سنت و مدرنیته، نظام‌های حقیقت متفاوتی را به تعبیر میشل فوکو بر سوژه‌ها و عاملان اجتماعی تحمیل کردند و بدین‌ترتیب، حوزه‌های مختلف زندگی بشر اعم از اقتصاد، سیاست، دولت، حکومت، جامعه و انسان را تحت تأثیر خویش قرار دادند.

اگرچه در واکنش به ورود چنین گفتمان‌های متعارضی، گفتمان اسلامی موضع‌گیری کرد و ضمن دیگری[1] خواندن ایده‌های لیبرالیستی، به طرد و نفی اندیشه‌های مارکسیستی به علت مفروضات الحادی آن که با اندیشه‌های دینی و مذهبی ریشه‌دار در این مرز و بوم منافات داشت پرداخت(برخورداری[2]، ۲۰۲۰: ۲۰۰) اما موجودیت این وقته‌های[3] مغایر و گه‌گاه متعارض تا زمان طرد گفتمان پهلویسم به دلیل حاکمیت فضای استعاری و وجود شخصیت کاریزمایی امام و هدف مشترکی که براندازی حکومت پهلوی بود در ذیل گفتمان واحد انقلاب اسلامی حفظ و تعارض میان سنت و تجدد، موقتاً خاموش می‌ماند. اما به مجرد طرد گفتمان پهلویسم، گفتمان انقلاب اسلامی به تدریج غیرهای داخلی و خارجی متفاوتی را شکل می‌دهد و هر یک از خرده‌گفتمان‌های رقیب در ذیل آن امکان هژمونیک شدن می‌یابند

1. Otherness
2. Aref Barkhordari
3. Moments

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

و شروع به غیریت‌سازی در میان خود می‌کنند تا هویت یابند. در این بین، گفتمان اسلام سیاسی با تاکید بر لزوم ضدیت با جهان‌بینی مادی غرب، به مقابله با سلطه فرهنگی و ارزشی غرب و احیای فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی برمی‌خیزد(نظری‌ودیگران، ۱۴۰۰: ۳۱) و با برخورداری از قابلیت دسترسی[1]، مشروعیت و اعتبار[2] بیشتر به طرد و حذف خرده‌گفتمان‌های ضعیف‌تر و تشکیل نظام سیاسی و اداره جامعه می‌پردازد. بنابراین، طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶، آن بخش از گفتمان انقلاب اسلامی که ریشه در تجددطلبی داشت به حاشیه رانده می‌شود و بخش سنتی آن که حول دال مرکزی اسلام شکل گرفته بود برجسته‌تر می‌شود؛ هرچند که دوباره از سال ۷۶ به سوی مفاهیم متجدد بازگشت زده می‌شود(سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۴).

گفتمان اسلام‌سیاسی در مسیر هژمونیک شدن خود ابتدا گفتمان لیبرال دموکراتیک(گفتمان ملی‌گرایی لیبرال بازرگان و بنی‌صدر را که با بخشیدن اولویت به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌کوشید برای اسلام و ایدئولوژی اسلامی ماهیتی ابزاری برای تأمین منافع ایران تعریف کند و از طریق اسلام موجبات خدمت به ایران را فراهم آورد(تاجیک و رضازاده،۱۴۰۱: ۱۰۹-۱۰۷) و قانون اساسی سکولاری را تصویب کند که به قانون اساسی مشروطه شباهت زیادی داشت)را طرد می‌کند؛ زیرا گروه‌های اسلامی با این پیش‌نویس و خصوصاً واژه دموکراتیک آن مخالفت و پیش‌نویس جداگانه‌ای مبنی بر ولایت فقیه تدوین کردند. درنهایت، با اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ به علت اختلاف نظر بر سر شکل حکومت، سیاست خارجی و داخلی، بازرگان و کابینه او استعفاء می‌دهند و لیبرال‌ها با محکوم شدن به جانبداری از امپریالیسم به حاشیه رانده می‌شوند(نظری و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۸).از آن پس طی سال‌های ۶۰ تا ۶۲، غیرهای دیگری حذف و از صحنه سیاسی کشور طرد می‌شوند که از آن جمله می‌توان به مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌هایی اشاره کرد که در قالب گروه‌هایی همچون سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق و حزب توده فعالیت می‌کردند و اینگونه بود که تمام گفتمان‌هایی که ریشه در تجددطلبی داشتند به حاشیه رانده می‌شوند و این تنها اسلام‌گرایان سیاسی همانند حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران و رادیکال‌های اسلامی همچون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بودند که باقی ماندند(سلطانی،۱۳۸۴: ۱۴۶)؛البته اندکی بعد مبارزه با گفتمان اسلام‌گرایان رادیکال چپ(چپ سنتی) که از اصلاحات ارضی، قسط و عدالت، مداخله دولت در اقتصاد، وضع قانون کار، ملی کردن تجارت خارجی و منع ثروت اندوزی دفاع می‌کردند نیز آغاز

1. Availability
2. Cridibility

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام





[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

می‌شود؛ چراکه راست سنتی مدافع مالکیت خصوصی، عدم دخالت گسترده دولت در اقتصاد و عدم کنترل تجارت داخلی و خارجی بود(سلطانی،۱۳۸۴: ۱۴۸). بنابراین، گفتمان اسلام سیاسی سنت‌گرای روحانیت به گفتمان غالب در جمهوری‌اسلامی‌ایران بدل می‌شود؛ هرچند که این گفتمان بنا به ظهور دولت‌های مختلف پذیرای خرده‌گفتمان‌های متفاوتی در ذیل خود شده است که از آن جمله می‌توان به گفتمان آرمان‌گرایی‌اسلامی(۶۳-۶۰)، مصلحت‌گرایی‌اسلامی(۶۷-۶۳)،واقع‌گرایی‌اسلامی(۷۶-۶۸)،صلح‌گرایی‌اسلامی(۸۴-۷۶)،اصولگرایی‌عدالت‌محور(۹۲-۸۴)،اعتدال‌گرایی یا آرمانگرایی واقع‌بین(۱۴۰۰-۱۳۹۲) اشاره کرد(تاجیک و رضازاده،۱۴۰۱: ۱۰۷-۱۰۶؛ نظری و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۸).

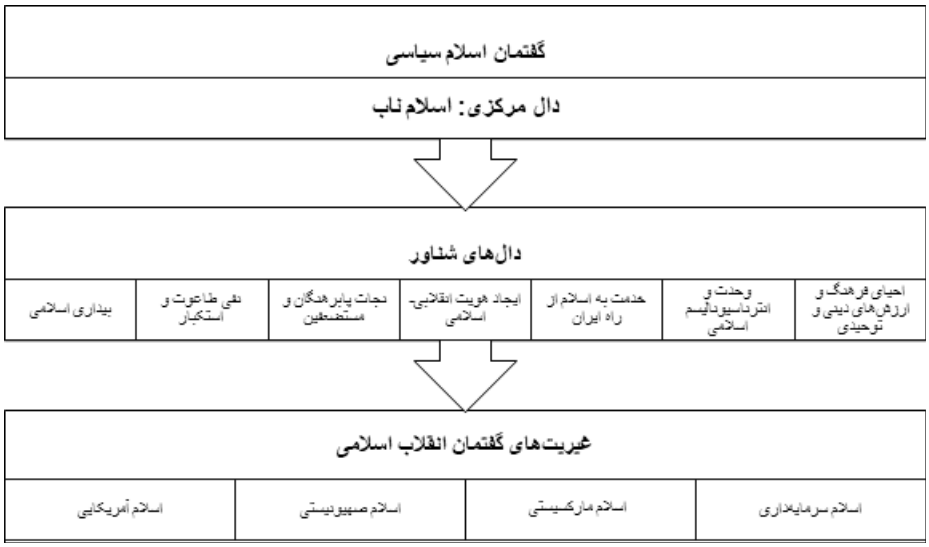


**شکل ۳- گفتمان اسلام سیاسی و عناصر مؤکد آن در مسیر هژمونیک شدن**

در بخش بعدی چگونگی توسل گفتمان اسلام سیاسی به تولید معنا و ابزارهای انضباط و انقیاد در مسیر هژمونیک شدن و حذف و طرد دشمنان و رقبا تحلیل می‌شود که از طریق تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص و اثرگذاری بر ذهن سوژه‌ها در تقابل با خرده‌گفتمان سوسیالیستی-مارکسیستی تلاش کرد تا در میان کارگران نفوذ و آنها را به طبقه‌ای در خود[1] تبدیل کند. سپس نقش گفتمان اسلام سیاسی در تحول مفهومی کار و به تبع آن پرولتاریازدایی از نیروی کار در ایران بعد از انقلاب تشریح می‌شود؛ این که چه شرایطی موجب بروز تغییر در مفهوم نیروی کار و کارگران شد.

1. Class in Itself

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

**تجزیه-تحلیل و آزمون پژوهش:**

**وضعیت کارگران در ایران پس از انقلاب: طبقه‌ای در خود یا طبقه‌ای برای خود؟**

نقش قاطع و سرنوشت‌ساز کارگران در پیروزی انقلاب اسلامی ایران از طریق اعتصاب در کارخانجات و فلج کردن صنعت کشور و نیز شرکت در راه‌پیمایی‌ها و همراهی با طبقه متوسط و سایر اقشار مردم در کنار وقوع تحولاتی چند در کشور طی نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب موجب برخورداری کارگران از آزادی‌های مختصری شد که آنها را به سوی قدرت‌یابی سیاسی و تشکیل شوراهای کارگری سوق می‌داد؛ بطوریکه در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به صدور فرمان مصادره و ملی کردن اموال از سوی دادگاه‌های انقلاب، مالکیت بسیاری از مؤسسات بزرگ خصوصی، برخی شرکت‌های عمده صنعتی و کشاورزی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و صنایعی همچون: تولید فلزات، مونتاژ خودرو، کشتی‌سازی، مواد شیمیایی، هواپیما، معادن بزرگ و نیز دارایی‌های افرادی که "مفسد فی‌الارض" خوانده می‌شدند، به دولت واگذار و کاهش چشمگیری در حجم نیروی کار شاغل در بخش خصوصی ایجاد شد و به نصف اندازه خود در سال ۱۳۵۴رسید و بلعکس بر شمار کارکنان دولت به‌ویژه در بخش صنعت افزوده شد و شمار استخدام‌های دولتی در این بخش بیش از ۲۲۶ هزار نفر نسبت به سال منتهی به انقلاب افزایش یافت(بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۱۶۱ و ۲۵۸؛ نعمانی و بهداد[1]، ۲۰۱۲: ۲۱۹). همچنین با فرار مالکان و مدیران ارشد صنعتی، خلأ قدرت بیشتری در کارخانه‌ها بروز کرد و کارگران چنین احساس کردند که مالک کارخانه‌ها هستند. به همین دلیل برای اداره کارخانه‌ها، شوراها یا کمیته‌های کارخانه تشکیل شدند که سازماندهی کارگری را در دستور کار داشت و هدف اصلی آنها اعمال کنترل کارگران بر فرآیند تولید و عرضه بود(خلجی و جنتی پور، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۷)؛ گویی در این دوره به سمت جامعه‌ی نیکی حرکت می‌شد که اصلی‌ترین خصیصه‌ی آن به باور مارکس، از میان رفتن مالکیت خصوصی به عنوان منشأ نابرابری‌ها بود(بی‌زبان و یونجالی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

بعلاوه، با تبدیل شدن حومه‌ی شهر به محل نزاع میان دهقانان و مالکان در پی پیروزی انقلاب، بسیاری از دهقانان و نیز خان‌ها و اربابانی که از اصلاحات ارضی محمدرضا شاه متضرر شده بودند، درصدد تصاحب املاک و مستغلات بزرگ‌مالکان و یا بازپس‌گیری زمین‌های خود برآمدند. اگرچه دولت موقت که خواستار حفظ مالکیت خصوصی بود به شیوه‌های مختلف به مقابله با چنین اقداماتی می‌پرداخت و ضمن استفاده از تبلیغات منفی علیه این اقدامات و تأکید بر آثار مخرب آن بر تولیدات

1. Farhad Nomani & Sohrab Behdad

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

کشاورزی، گاهی به حمله نظامی علیه دهقانان در مناطقی همچون سیستان‌وبلوچستان، فارس، کردستان و آذربایجان متوسل می‌شد، اما با سقوط دولت موقت، چنین اصلاحات ارضی رادیکالی مورد حمایت مقاماتی همچون باهنر قرار گرفت که عضو شورای انقلاب بود. اما از آنجا که زمین‌داران این حمایت را تبانی با کمونیست‌ها خواندند و برای نشان‌دادن اعتراضات خود به تحصن انقلابی متوسل شدند، آیت‌الله خمینی رسیدگی به این مسئله را از شورای انقلاب خواستار شد و درنتیجه، شورا به تأیید لایحه اصلاحات ارضی پرداخت و لذا قانونی تصویب شد که مطابق آن زمین‌داران می‌بایست مستقیماً سه مرتبه در سال، زمین‌های خود را زیر کشت می‌بردند وگرنه زمین آن‌ها به دهقانی تعلق می‌یافت که از زمین مراقبت می‌کرد. همچنین به‌منظور توزیع زمین، مرکزی برای تبدیل و احیاء زمین در پایتخت و هیئت‌های هفت نفره‌ای در دیگر شهرها ایجاد شد که اعضای آن مرکب از نمایندگان وزارت کشاورزی، وزارت کشور، جهاد سازندگی، دادگستری یا دادگاه انقلاب و شورای ده بود. در سال ۵۹ کمیته‌های توزیع زمین طی ۸ ماه ۱۵۰ هزار هکتار زمین بایر و ۳۵ هزار هکتار زمین قابل کشت را بین دهقانان کوچک و بی‌زمین تقسیم کردند و ۶۰ هزار هکتار زمین را به ایجاد تعاونی‌های تولید روستایی اختصاص دادند(معدل[1]،۱۹۹۱: ۳۲۳-۳۲۲).

از سوی دیگر اما در شرایطی که بنا به دلایلی همچون فرار سرمایه و صنعتگران از کشور، ملی شدن مؤسسات خصوصی، برهم خوردن روابط و مناسبات ایران با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و شرکای تجاری سابق ایران در پی تغییر حکومت و آغاز جنگ ایران و عراق تورمی بی‌سابقه در تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز کشور و کمبودی شدید اتفاق افتاد(حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۶)،گروهی از نخبگان ضد کاپیتالیسم و سرمایه‌داری حاکم در جمهوری اسلامی ایران به مداخله‌ی بیشتر دولت در تجارت داخلی و ملی کردن تجارت خارجی تاکید کردند و در سال ۱۳۶۰ دولت را به سمت ایجاد تعاونی‌های مصرف سوق دادند. البته طرح ملی کردن تجارت خارجی قبلاً در دولت موقت مطرح شده بود اما به دلیل مقاومت و نارضایتی بازرگان و لابی‌گری فعال آنها شکست خورد و لذا دوباره در دولت رجایی مورد طرح و بررسی واقع شد(معدل،۱۹۹۱: ۳۲۷). دراین میان، جنبش کارگری که متاثر از جریانات چپ بود و چنین تحولاتی را مترادف با اضمحلال مالکیت خصوصی، تضعیف حقوق و امنیت سرمایه و وجه سرمایه‌داری کار و تولید و حرکتی روبه جلو به سوی تحقق جامعه بی طبقه و آرمانی خود تلقی می‌کرد، شرایط و تحولات مذکور را به نفع خود دانسته تا با فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی خود بر قدرت سیاسی

1. Mansoor Moaddel



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

خویش بیفزایند و خود را در قالب طبقه‌ای برای خود تعریف کند؛ طبقه‌ای که طبق تعابیر مارکسیستی، بنا به منطق وضعیتی مشترک خود به این باور رسیده که نابرابری در توزیع منابع تولیدی موجب نابرابری آنها در دسترسی به قدرت و نیز حق استفاده از وسایل و منابع تولید شده اما آنها به دلیل آگاهی از وجود و قابلیت‌های خویش دریافته‌اند که قادر به پیش راندن پویش‌ها و تغییرات تاریخی با کنش خویش به نفع خود هستند(جوادی‌وملکی،۱۳۹۹: ۱۵۱؛عظیمی،۱۳۹۴: ۱۲۰).بدین‌ترتیب، آنها خواستار دستمزدی بالاتر، سهیم شدن در سود کارخانه و ایجاد قانونی مترقی از کار شدند که به موجب آن، ساعات کاری به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یابد و سندیکاهای مستقل کارگری ایجاد شوند. آن‌ها حتی بیانیه‌ای علیه امپریالیسم صادر کردند و در آن اخراج لیبرال‌ها و طرفداران آمریکا از دولت و مشارکت شوراهای کارگری در تصمیمات مدیریتی را مورد تأکید قرار دادند و توانستند در برخی زمینه‌ها همچون کاهش ساعات کار، افزایش دستمزدها، برخورداری از شرایط کاری بهتر، داشتن میزانی از کنترل بر فرآیند تولید و تأسیس سازمان‌های مستقل به موفقیت‌هایی دست یابند(معدل،۱۹۹۱: ۳۲۴).این شرایط با ظهور گروه‌ها و احزابی توأم شده بود که در پی به انحراف کشانیدن کارگران و دور کردن آنها از مسیر انقلابی بودند؛آنان می‌کوشیدند تا با تجمیع کارگران در کارخانه‌ها و ایراد سخنرانی برای آنها، زمینه تحریک و قرار دادن ایشان در مقابل انقلاب و ایجاد ناآرامی در کشور را فراهم کنند. چنین تحولاتی سبب شکل‌گیری این تعبیر از سوی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی شد که کارخانه‌ها به محلی تبدیل شده‌اند که از آن‌جا آتش غوغا و فتنه برمی‌خیزد. به‌همین دلیل تمام همّ گفتمان اسلام سیاسی در سال‌های نخست پیروزی انقلاب بعد از دفع و طرد گفتمان ملی‌گرایی لیبرال، به دفع تهدیدات ایدئولوژیکی معطوف شد که از سوی چپ‌های تاریخی شعله‌ور می‌شد(مورگانا[1]، ۲۰۱۸: ۲۴۵) و همین امر، نظام تازه تأسیس را بر آن داشت تا به‌منظور سرکوب گروه‌های مارکسیستی و جلوگیری از التقاط جنبش‌های کارگری با چنین جریانات انحرافی در جهت فرآیند پرولتاریازدایی از کار و کارگر حرکت کند(مورگانا،۲۰۱۹: ۱۴۰). منظور از پرولتاریازدایی در ایران بعد از انقلاب، تلاش در جهت جلوگیری از سازماندهی کارگران، خنثی ساختن نیروی انقلابی طبقه کارگر و به حاشیه راندن قدرت بسیج کارگران است. حال این پرسش مطرح است که این فرآیند در ایران بعد از انقلاب چگونه رخ داد و نقش گفتمان اسلام سیاسی در این زمینه چه بوده است؟

1. M. Stella Morgana



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

**پرولتاریازدایی از کارگران در ایران پساانقلابی**

**- تحول مفهوم کار و کارگر: واکنش گفتمان اسلام سیاسی به سازمان‌یابی جنبش‌های کارگری در ایران پس از انقلاب**

گفتمان اسلام سیاسی خود را در تقابل با گفتمان لیبرالیستی و مارکسیستی تعریف کرد و به‌منظور غلبه بر عناصر تجددگرای موجود در نظم ایران پس از انقلاب کوشید تا با تولید معنا از یکسو و ابزارهای انضباط و انقیاد از سوی دیگر دشمنان خود را حذف یا طرد کند(سلطانی،۱۳۸۴: ۱۵۶). درحالی‌که در گفتمان سوسیالیستی-مارکسیستی، بر مفاهیمی همچون طبقه، تضاد و تعارض طبقاتی تأکید می‌شد، گفتمان اسلام سیاسی در مسیر پرولتاریازدایی از نیروی کارگر و مقابله با قدرت‌گیری جریانات چپ سوسیالیستی-مارکسیستی کوشید مفاهیم خود را تولید کند؛ از این رو واژگان جدیدی تولید (به ویژه در قالب واژه‌های دوتایی) و در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها بازنشر شد، از جمله این واژه‌های دوتایی می‌توان به کوخ‌نشینان/کاخ‌نشینان، مستضعفین/مستکبرین اشاره کرد که در گفتمان اسلام سیاسی جای واژه دوتایی سرمایه دار/کارگر را گرفت. در عین حال خود این واژه‌های دوتایی در ذیل یک مفهوم کل‌گرایانه یعنی «امت» جای داده شد که خود ریشه قرآنی داشت و به پیروان دین اسلام اشاره داشت. در واقع، گفتمان اسلام سیاسی تلاش کرد مفهوم امت اسلام را بعنوان مفهومی وحدت‌گرایانه به دایره واژگانی خود بکشاند تا اینگونه با استفاده از توان غیریت‌سازی و مرزبندی مشخص و مفصل‌بندی مفاهیم تازه بر قابلیت دسترسی و اعتبار خود نسبت به گفتمان‌های لیبرالیستی و مارکسیستی رقیب بیفزاید و به سلطه و هژمونی دست یابد (اطهری‌وعباسی‌شاهکوه، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۸؛شهرام‌نیا و نظیفی‌نائینی،۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۱۱). بر همین اساس امام خمینی صراحتاً در مخالفت با گفتمان مارکسیستی اظهار نمود: «در اسلام، نه تنها گرایش مادی‌گرایانه دیده نمی‌شود، بلکه طبقه‌ای بر طبقه دیگر ترجیح داده نشده‌است ... اسلام، تمام طبقات را مساوی دانسته و تنها عامل ترجیح مردم بر یکدیگر را تقوا معرفی می‌کند»(عظیمی‌دولت‌آبادی،۱۳۹۹: ۸۱).از این‌رو گفتمان اسلام سیاسی در مسیر به حاشیه راندن تعابیر سوسیالیستی و مارکسیستی از جمله طبقه حرکت کرد تا بدین گونه هویت کارگران بعنوان یک طبقه مستقل و انقلابی را در درون امت اسلامی مضمحل و مستحیل کند.

البته رخدادهای تاریخی نیز در تغییر گفتمانی به آنها کمک نمود. از جمله شروع جنگ ایران و عراق از جمله عواملی است که در این وضعیت به کمک گفتمان اسلام سیاسی آمد و به موفقیت این گفتمان و زمینه‌سازی برای هژمونی آن در فرآیند تحول مفهومی کار و کارگر کمک کرد؛ زیرا در شرایطی که

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

نظام نوپای ج.ا.ا از مشکلات و دشواری‌های اقتصادی عدیده‌ای رنج می‌برد دفع تهدیدات و ناامنی‌های برخاسته از کارخانه‌ها بعنوان نماد بارز تولید، ضروری شد، ضمن اینکه غلبه بر مشکلات اقتصادی، همت مضاعف کارگران در کمک به افزایش حجم تولید را می‌طلبید. چنین ضرورتی موجبات تحول مفهوم کار و دیگر واژگان مرتبط با نیروی کار را فراهم آورد؛ به گونه‌ای که کار به خدمتگزاری هر چه بیشتر به نظام اسلامی درگیر در جنگ معرفی شد. از همین‌رو گفتمان اسلام سیاسی با قرار دادن کارگران در ذیل مفهوم گسترده‌تر مستضعفین و مظلومین و مورد خطاب قرار دادن آنها، تفسیر مارکسیستی از نیروی کارگر به مثابه طبقه پیشرو در مسیر پویش تاریخی به سوی تحقق جامعه‌ای بی طبقه را باطل دانست و کارگر را نه نیروی برآمده از ماتریالیسم حاکم بر تاریخ بلکه نیرویی نشأت‌گرفته از خدا تعبیر نمود که وظیفه‌ای شرعی برای تجلی اراده خداوند بر روی زمین برعهده داشت. در همین باره امام خمینی با سر دادن شعارهایی همچون «کارگران و زحمت‌کشان، اسلام برای شماست» متذکر شد کار یک تکلیف الهی، وظیفه‌ای مذهبی، ملی و عمومی است که به‌مثابه سلاحی در برابر کاپیتالیسم و امپریالیسم عمل می‌کند.امام خمینی با ارائه چنین تعریفی از کار اعلام نمود کارخانه، سنگر و میدان(جبهه) کارگران در برابر کفار است. براین‌اساس، در گفتمان اسلام سیاسی، کار، کارکردی عقیدتی-سیاسی یافت؛ یعنی طبقه کارگر نه ماهیتی ماتریالیستی و سکولار دارد و نه مستقل از امت اسلامی قابل شناسایی است . از این رو آنها همانند سایر گروه‌ها و طبقات، بندگان خدا خطاب شدند که می‌بایست تمایزات مادی را کنار می‌گذاشتند (مورگانا،۲۰۱۸: ۲۴۱).

در واقع گفتمان اسلام سیاسی کارگران زن و مرد را به خواهر و برادرانی تبدیل کرد که در ذیل گروه بزرگ‌تری از مستضعفین قرار می‌گرفتند و نظام تازه بنیاد از آنها توقع داشت که به تکیه‌گاه اقتصادی نظام سیاسی در مقابل دشمنان بدل شوند و با کار خود از انقلاب پاسداری کنند. نهایتاً در این گفتمان، هدف کار خدمت به خدا و خلق معرفی شد(شکل شماره ۴). نهادها و ارگان‌های گفتمان اسلام سیاسی از جمله حزب جمهوری اسلامی تعبیر جدید از مفهوم کار و کارگر را در قالب عکس‌نوشته‌ها و پوسترهای خود در عرصه عمومی، مطبوعات و به صورت خاص کارخانه‌ها بازنشر می‌کردند. تصویر ذیل یکی از این نمونه‌هاست.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

**شکل ۴-** Worker: May your arm gain strength in the service of God and the people. Issued by the IRP, 1980s
Source: complied by Stella.M.Morgana from The University of Chicago Library

حزب جمهوری اسلامی در پوستری دیگر، کارگرانی را به تصویر می‌کشد که حین نماز خواندن، ابزارهای تولید در کنارشان قرار دارد(شکل شماره۵) و بر فراز این تصاویر، سخنان و احادیثی همچون: "الکاد علی عیاله کالمجاهد فی‌سبیل‌الله[۱] "و "الاسلام وحده یحامی الذین یعملون[۲] " درج شده است. در پوستری دیگر، تصاویری از دست کارگران نشان داده می‌شود که در توضیح آن نوشته شده است:«این دستی است که با آتش دوزخ نخواهد سوخت»(شکل شماره ۶)، بدین معنا کارگران به مثابه مستضعفینی تعریف می‌شوند که سربازان و رزمندگان مقدس راه خدا هستند و آماده‌ی مبارزه با استثمارگرانند(مورگانا،۲۰۱۸: ۲۴۵-۲۴۲).از سوی دیگر اسلام‌گرایان سیاسی با شناسایی و معرفی کارگران معاند و بهره‌گیری از سایر ابزارهای کنترلی می‌کوشیدند کارگران مخالف را تصفیه کرده و موجبات تغییر گرایش آن‌ها از سوسیالیسم به سوی اسلام سیاسی را فراهم آورند.

۱. هر کس برای (کسب روزی) خانواده خود زحمت بکشد، همانند مجاهدی در راه خداست..
۲. اسلام، تنها حامی کسانی است که اهل کار و عمل‌اند.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

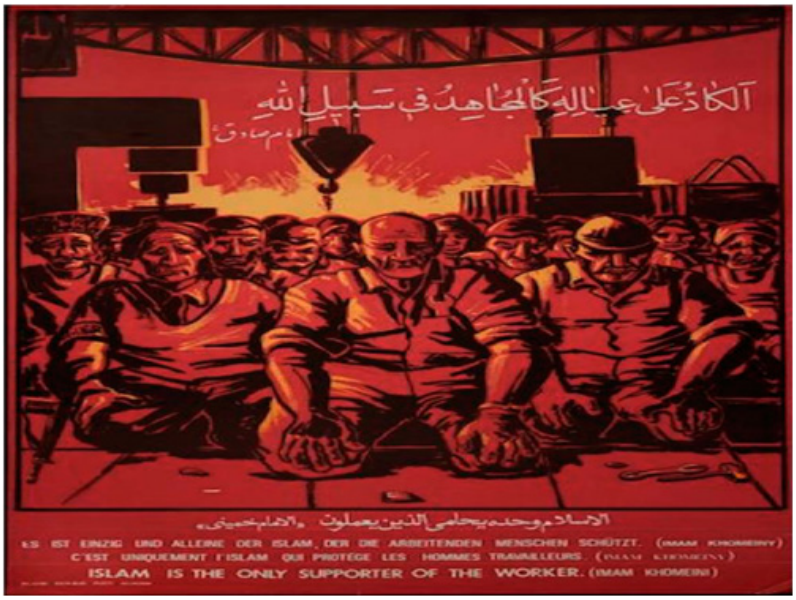


**شکل ۵**- Workers as holy warriors. Issued by the IRP, 1980s

Source: compiled by Stella.M. Morgana from the University of Chicago Library

**شکل ۶**- Worker's hands ready to struggle. Issued by IRP, 1980s

Source: complied by Stella.M.Morgana from Hoover Institution Archives

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

گفتمان اسلام سیاسی با نفی تعبیر مارکسیستی و سوسیالیستی از کار و کارگر از عبارات اسلامی برای هویت بخشی اسلامی به نیروی کارگران بهره می‌برد. برای مثال امام خمینی در سخنرانی روز جهانی کارگر از قول پیامبر اسلام نقل می‌کند:«هر قطره عرقی که از بدن کارگر می‌آید، مانند قطره خونی است که از شهدا در راه خدا بیاید». بدین معنا تلاش کارگران مساوی با مجاهدت رزمندگان اسلام و شهدا دانسته شد؛زیرا هدف غائی هر دو یکی بود و آن هم احیا و حفظ استقلال نظام اسلامی.امام خمینی همچنین ارزش کارگران در اسلام را نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها بالاتر می‌دانست و اعلام نمود:«اگرچه در بلوک کمونیستی ادعاها و شعارهای سران آنها بسیار زیاد است اما وقتی به وضع کارگران آنها و سلوکشان با کارگر می‌نگرید درمی‌یابید که اینها چیزی جز ادعا نیست. سرمایه‌داری هم همین است.هر دوی اینها کارگر را آلت استفاده خودشان قرار داده‌اند» (عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۸۲-۸۱).چنین بیاناتی در طول سالیان جنگ(۱۳۶۷_۱۳۵۹)، نیز دائماً از سوی سایر مقامات حاکم در جمهوری اسلامی تکرار می‌شود؛ برای مثال آیت الله علی خامنه‌ای که در آن زمان مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشت، نه‌تنها از کار به وظیفه‌ای مقدس حین جنگ تعبیر می‌کند و ساعات کار را به لحظات عبادت و شهادت بر سر عقیده تشبیه می‌کند، کار را مترادف با قدردانی از مردم فقیر، ستمدیده و شهدا می‌داند و لحظه‌ای هدر دادن اوقات کار را همانند هدر دادن حقوق فقرا و خون شهدا بیان می‌کند. آیت الله خامنه‌ای نیز با قرار دادن کارگران در ذیل واژه امت و توصیف آن‌ها به عنوان "شکل‌دهندگان به جامعه‌ی مؤمنین"، مسیر اطاعت و فرمان‌برداری را به کارگران نشان داد و از آن‌ها خواست که از ایجاد هرگونه بی‌نظمی و سرپیچی در محیط کار بپرهیزند و وجود چنین مسائلی را به‌سرعت گزارش کنند(مورگانا،۲۰۱۹: ۱۴۱). براین‌اساس، در طول جنگ با استناد به آیاتی از قرآن و روایاتی از ائمه و معصومین، فضای ایدئولوژیکی شکل گرفت که در آن کار به عنوان وظیفه‌ای الهی قلمداد می‌شد که می‌بایست اراده الهی را در مقابل استکبار و امپریالیسم بازتولید نماید. همچنین در این گفتمان کمک کردن کارگران به رفع شرایط نامساعد حاصل از جنگ به ویژه در حوزه اقتصادی در کشور عامل خشنود کردن خداوند تعریف می‌شد.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

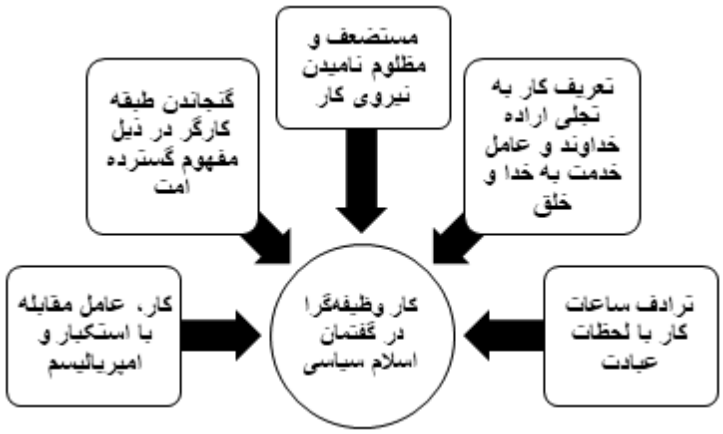


**شکل ۷- مدل کار در گفتمان اسلام سیاسی(خرده‌گفتمان اصولگرایی)**

در عین حال سیاست‌های نظام ج.ا.ا هم تکمیل‌کننده تحول مفهومی کار و کارگر بود؛ بطوریکه اگرچه در سال نخست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اتخاذ سیاست‌هایی همچون: صدور حکم مصادره اموال سلسله پهلوی به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف برای ایجاد شغل و مسکن؛ الغای مالکیت خصوصی بسیاری از مؤسسات تولیدی و صنایع سنگین، موافقت نظام با اجرای اصلاحات ارضی رادیکال؛ تأسیس کمیته امداد؛ ایجاد بنیاد مسکن؛ افتتاح حساب ۱۰۰ به منظور خانه‌سازی برای محرومان؛ تشکیل جهاد سازندگی برای محرومیت‌زدایی از مناطق محروم؛ تلاش برای تصویب لایحه ملی کردن تجارت خارجی و از میان بردن مظاهر سرمایه‌داری و لیبرالیستی در کنار وعده ایجاد قانون جدید کار که فعالیت مستقل تشکلات کارگری را به رسمیت بشناسد، نشان از آن داشت که سیاست عملی گفتمان اسلام سیاسی با الهام از گفتمان مارکسیستی، به تقابل با گفتمان لیبرالیستی برخاسته و در پی قرار دادن گفتمان مارکسیستی در ذیل گفتمان اسلام سیاسی است(عظیمی‌دولت‌آبادی،۱۳۹۹: ۹۳-۹۲).اما بخش مهمی از این سیاست‌ها در عمل با آغاز جنگ ایران و عراق کنار گذاشته شد. برای مثال فعالیت هیئت‌های توزیع زمین در بسیاری از مناطق ناتمام می‌ماند و لایحه اصلاحات ارضی به حالت تعلیق در می‌آید و ملی شدن تجارت خارجی نیز در پی مخالفت و تهدید به براندازی دولت اسلامی از سوی تجار، بازرگانان و علمای محافظه‌کاری که تصویب چنین طرحی را تأیید مرامنامه‌های کمونیستی الحادی و اقدامی ضد دینی می‌خواندند، ملغی شد(معدل،۱۹۹۱: ۳۲۰). بعلاوه، نه تنها ایجاد قانونی مترقی از کار که متضمن رعایت حقوق سیاسی کارگران باشد به دست فراموشی سپرده شد بلکه ایجاد تشکلات مستقل کارگری نیز بنا به وضعیتی جنگی و اولویت حفظ کیان اسلام رسماً مورد مخالفت قرار



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

گرفت و با سلب حق اعتصاب از طبقه کارگر، اقدام عمده‌ای در جهت خلع سلاح کارگران و جلوگیری از خیزش‌های انقلابی آنها صورت گرفت. در حین جنگ در زمانی که احمد توکلی وزیر کار بود(در پاییز ۱۳۶۰)لایحه‌ای تصویب شد که در آن شدیداً حقوق کارگران برای چانه‌زنی جمعی، حفظ امنیت شغلی و اعتصاب را نفی می‌کرد. توکلی همچنین اذعان می‌دارد که قانون اسلامی کار، مبتنی بر قرارداد آزاد میان کارگر و کارفرما است و از این‌رو، نیازی به چانه‌زنی جمعی و نماینده کارگران نیست و هر کجا قراردادی حاوی کلمه نماینده باشد، آن قرارداد باطل است؛ زیرا چنین عباراتی مأخوذ از نظریه حزب توده و نازیسم هستند(معدل،۱۹۹۱: ۳۲۷-۳۲۶). بنابراین، دولت اسلامی به موجب گفتمان اسلام سیاسی در این مقطع، نه تنها در معنای کار و کارگر تحول مفهومی ایجاد کرد بلکه در مسیر تحقق فرآیند پرولتاریازدایی و غیرسیاسی کردن نیروی کار، شکل‌گیری جنبش کارگری و اتحادیه‌های مستقل را قدغن و حتی شوراهای کارگری -که توسط کارگران در سال ۱۳۵۸ ایجاد شده بودند- را منحل کرد و در تلاش برای اسلامی کردن تشکیلات کارگری، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را به جای اتحادیه‌های مستقل کارگری سابق ایجاد نمود و آن‌ها را مستقیماً تحت نظارت دولت قرار داد و اینگونه سیاست پرولتاریازدایی از کار در جمهوری اسلامی ایران آغاز و در طول دولت‌های بعدی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، دنبال شد(بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۲۹۴).

### خرده‌گفتمان‌های اسلام سیاسی و تداوم پرولتاریازدایی از کار و کارگر در ج.ا.ا:

اگرچه با وفات امام خمینی و از میان رفتن فضای استعاری ابتدای انقلاب، خرده‌گفتمان‌های متفاوتی از دل گفتمان اسلام سیاسی نضج می‌یابند که چه‌بسا رگه‌هایی از تجددطلبی را می‌پذیرد اما آنها نیز به نوبه خود فرآیند پرولتاریازدایی از کار و کارگر را استمرار می‌بخشند و در جهت غیر سیاسی کردن و به حاشیه راندن آنها گام برمی‌دارند. بدین‌صورت که با پایان جنگ، علاوه بر ویرانی‌های حاصل از جنگ، دولت با طیف گسترده‌ای از نیروهای بیکار و به ویژه کارگرانی مواجه شد که قبلاً در جبهه‌های جنگ حضور داشتند و اکنون با بازگشت به شهرهای خود خواستار اشتغال و موقعیت اقتصادی مشخصی بودند.در این شرایط دولت با به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و امنیت سرمایه و آغاز فرایند برون‌تابی ساختاری[1] در روابط خارجی خود و روی آوردن به برقراری رابطه با دیگر کشورها و تکیه بر سیاست‌هایی همچون: گسترش خصوصی‌سازی، جلب سرمایه‌های خارجی، گسترش روابط با بازار جهانی و آزادسازی نرخ

1. Structural Deinvolution



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

ارز، حذف سوبسیدها و افزایش قیمت‌ها به سوی گفتمان لیبرالیسم اقتصادی کج دار و مریز[1] حرکت کرد(مالونی[2]، ۲۰۱۰: ۴-۳) و به قیمت تضعیف هرچه بیشتر طبقه کارگر، موجبات بازگشت طبقه متوسط به بخش خصوصی و رشد مداوم تعداد اعضای این طبقه در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دولت و افزایش سرمایه‌داری و خرده‌بورژوازی مدرن را فراهم آورد(بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۲۹۰-۲۸۸).در این مقطع که مصادف با دوره ریاست‌جمهوری رفسنجانی است، واژگان و اصطلاحاتی همچون: توسعه، تولید اقتصادی، بهره‌وری، خصوصی‌سازی و موفقیت به حوزه‌ی گفتمانی دولت وارد می‌شود و مفهوم کار به ابزار پیشرفت تبدیل می‌شود و بر همین اساس از کارگران خواسته می‌شود که بیشتر کار کنند تا جامعه توسعه یابد. برای مثال حسین کمالی وزیر کار دولت رفسنجانی با نگاه به کار و نیروی کار به‌مثابه ماشینِ تولید می‌گوید: "کارگران باید بیشتر کار کنند". از نظر او کار هر حرکتی است که نتیجه‌ای مثبت برای جامعه به‌همراه داشته باشد و کارگر کسی است که این حرکت را ایجاد کند(مورگانا،۲۰۱۹: ۱۴۴). در این دوره برای اشاره به کارگران، به‌جای استفاده از واژگان سابقی همچون طبقه کارگر یا مستضعفین از واژگانی همچون نیروی کار، نیروی کارگر، قشر کارگر یا لایه کارگر استفاده و کار در ارتباط با تولید و مصرف معنا می‌شد؛ یعنی کار بیشتر به تولید بیشتر و تولید بیشتر به مصرف بیشتر و چرخش چرخ‌های اقتصادی تعبیر می‌شد. بر همین اساس روزنامه‌های ایران و همشهری با درج تیترهایی همچون «حرکت ایران به سمت توسعه، رشد و تولید»، «صنعت ملی باید توسعه یابد»، «تولید برای حل مشکلات ایران»(کیهان ۳ خرداد ۷۳)، «افزایش تولید ایران برای برون رفت از هزارتوی مشکلات»(ایران ۴ مرداد ۷۴)، تولید بیشتر را تشویق و مورد تأکید قرار دادند. در چنین شرایطی، با تکوین فرهنگ مصرفی که بیشتر نسل جوان را هدف قرار می‌داد و پذیرای تجمل و مصرف کالاهای لوکس بود، شعارهای کارگری چپ و عدالت اجتماعی کنار گذاشته شد و با تشویق فردگرایی و فرهنگ رقابت و موفقیت فردی، تولید ثروت و مصرف فردی بعنوان راهی برای پیشرفت کل کشور اولویت یافت(مورگانا، ۲۰۲۰الف: ۳). بدین‌ترتیب، اتخاذ استراتژی‌هایی که با تبلیغ و ترویج آخرین برندها و کالاهای جهانی، روابط سرمایه‌داری و کاپیتالیستی تولید را تقویت می‌کردند، ثروت به شاخصی حائز اهمیت در جامعه تبدیل شد و نابرابری‌های طبقاتی در جامعه تعمیق

۱. کج دار و مریز به این دلیل که برخی سیاست اقتصادی دولت رفسنجانی را نه لیبرالیسم بلکه نیمه‌خصوصی‌سازی یا شبه‌خصوصی‌سازی می‌دانند که ترکیبی از سیاست‌های رفاهی و اقدامات نولیبرال را شامل می‌شده است؛ به‌طوریکه در عین واگذاری مالکیت شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، نقش نظارتی و حاکمیتی دولت در طراحی و اجرای چنین سیاستی همچنان پرقدرت و پررنگ تداوم می‌یافته است(Morgana, ۲۰۲۰: ٤).

2. Suzanne Maloney

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

می‌یابد(هاشمی[1]، ۲۰۱۸: ۵). در این برهه دولت برای تحقق رشد ملی ضمن تأکید بر دانشگاه‌ها بعنوان مکانی برای تربیت مهندسان آینده، اقتصاددانان و پزشکان، نگاهی ابزاری نسبت به کارخانه‌ها برای افزایش تولید ترویج داشت و با تأکید بر دانش، کارآفرینی و تخصص طبقه متوسط، به ایجاد شکاف میان کارگران و طبقه متوسط دامن زده و کارگران را به بیگانه شدن از خود سوق می‌داد(مورگانا، ۲۰۲۰الف: ۴). همچنین در طول فرآیند تبلیغ لزوم صنعتی شدن کشور در این دوره، مطبوعات ایرانی همچون روزنامه ایران دائماً به ارائه آمارهایی از تعداد کارکنان شاغل در بخش صنعت و تعداد کارخانه‌های جدیدالاحداث می‌پرداختند و محصولات فناورانه‌ای همچون ماشین‌های تاشو، دوربین‌های دیجیتال، سنسورهای جدید پیشگیری از حوادث رانندگی، مسیریاب‌ها[2] و کامپیوترها را تبلیغ و از الکترونیک بعنوان نماد پیشرفت و امنیت شغلی و موفقیت فردی که سرمایه‌گذاری روی آن می‌تواند به ایجاد ۲۵ هزار موقعیت شغلی جدید بینجامد، یاد می‌کردند(مورگانا، ۲۰۲۰ب: ۳۴۳-۳۴۰).

از سوی دیگر اما سیاست اقتصاد شبه لیبرالی رفسنجانی با تأکید بر افزایش واردات، واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی و کاهش هزینه‌های تولید در این بخش نه تنها منجر به تعطیلی بسیاری از کارخانه‌ها شد بلکه موجبات ترویج مشاغل پیمانی و قراردادی کوتاه‌مدت، تعدیل نیرو در کارخانجات و ادارات با توسل به سیاست‌هایی همچون بازخریدی، اخراج، تحمیل بازنشستگی پیش از موعد، مرخصی‌های بدون حقوق، تهدید به تعطیل کردن کارخانه و حذف نیروی کار با بازده پایین در کارخانجات صنعتی و تولیدی و تقلیل مزایای قانونی نیروی کار و درنتیجه بیکاری عده زیادی از کارگرانی شد که نه حقوق بیکاری داشتند و نه بیمه اجتماعی(نظری و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۵ ؛ حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۱). چنین مسائلی نیروی کار را چندپاره و شانس هم‌بستگی جمعی آنها را تضعیف می‌کرد و با تقدم بخشیدن به کارفرمایان و منافع آنها، سلسله مسائل حوزه کار را به زیان کارگران تغییر داد. در این دوره اگرچه بعد از یک دهه فقدان قانون کار در کشور، قانونی در آبان ۱۳۶۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید اما به موجب ماده ۱۳۰ و ۱۳۱ آن، حق ایجاد تشکل برای کارگران و کارفرمایان تنها محدود به تشکیل انجمن‌های صنفی شد و تنها آن دسته از تشکلات کارگری و کارفرمایی همچون انجمن‌های اسلامی، شوراهای اسلامی کار و خانه اسلامی کارگر که تحت کنترل و نظارت مستقیم دولت باشند به رسمیت شناخته شدند و اتحادیه‌های مستقلی که بیانگر اعتراضات و شکایات کارگران بودند از این جریان حذف شدند(نظری و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۰). بعلاوه، به موجب ماده ۱۴۲ این قانون، نه تنها

1. Manata Hashemi
2. GPS



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

اعتصابات کارگری پذیرفتنی نیست بلکه کاهش عمدی تولید و تعطیل کار حین حضور کارگر در کارگاه به دلیل اختلاف بر سر مفاد قانون کار یا بخش‌هایی از پیمان منعقد شده و یا تلاش برای انعقاد پیمان جدید، غیر قابل قبول است(نعمانی و بهداد،۲۰۱۲: ۲۲۱ ). همچنین قرار بر آن می‌شود تا کارگاه‌های با کم‌تر از ۱۰ کارگر از شمول مقررات قانون کار معاف شمرده شوند.بدین‌ترتیب علاوه بر ترویج نگاهی ابزاری به کار و کارگر، قدرت چانه‌زنی کارگران در دستیابی به حقوق قانونی خود در برابر کارفرمایان به افول گرایید(مورگانا، ۲۰۲۰الف: ۵-۴).

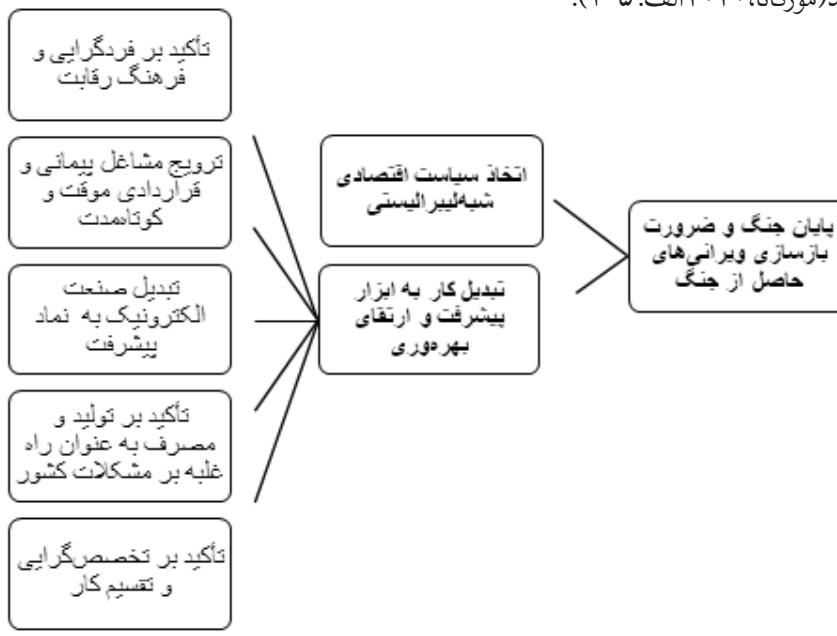


**شکل ۸- مدل کار در گفتمان اسلام سیاسی(خرده‌گفتمان اصلاح‌طلبی)**

روند تضعیف قدرت سیاسی کارگران و سیاست‌زدایی از آنها در خرده‌گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی (۸۴-۷۶) علیرغم تأکید دولت خاتمی بر دال مرکزی توسعه سیاسی دنبال شد. در این دوره نیز کارگران نه بعنوان یک طبقه خاص بلکه بعنوان بخشی از اعضاء جامعه مدنی[1] توسط خاتمی مورد خطاب واقع می‌شوند. همچنین در عین تلاش برای تعقیب سیاست لیبرالیسم اقتصادی به مانند دوره قبل، از کار به مثابه پیشرفت فرهنگی و ارتقای خلاقیت ملی تعبیر می شود(مورگانا، ۲۰۲۰الف: ۵-۴؛ پارسی[2] ،۲۰۱۲: ۱۱). علیرغم تلاش خاتمی برای تعدیل محدودیت‌های موجود نسبت به فعالیت سیاسی کارگران و پیشرفت‌های بطئی که در حوزه بسیج کارگری حاصل می‌شود، اما تغییر اساسی در قدرت سیاسی و

1. Civil Society
2. Rouzbeh Parsi



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

سازمان‌یافتگی کارگران ایجاد نمی‌شود(نعمانی و بهداد، ۲۰۱۲: ۲۲۱) و با آغاز به کار دولت احمدی‌نژاد که با وعده‌های کلیدی –همچون برگرداندن انقلاب به دست مستضعفین و توزیع مستقیم عواید نفتی در میان مردم و ایجاد عدالت اجتماعی برای طبقات فقیر شهری و نفی الگوهای کاپیتالیستی تولید– توانسته بود خیل عظیمی از کارگران را با خود همراه کند، نگاه ابزاری به کار و کارگر و تلاش برای پرولتاریازدایی از کار نه مانند قبل بلکه با شدت و حدت بیشتری اعمال می‌شود. او که در سخنرانی‌های خود به مناسبت روز جهانی کارگر، شدیداً بر اهمیت کار و کارگر و نقش ضروری کار و تلاش در تحقق هر ایده‌ای ولو کوچک‌ترین اهداف مادی تأکید می‌کرد(مورگانا، ۲۰۱۹: ۱۵۳–۱۵۱)، ظهور اتحادیه‌های مستقل کارگری جدید همچون سندیکای واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه‌ی کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایرانی را به‌مثابه تهدیدی علیه دولت تلقی می‌کرد و ضمن برخورد سریع با آنها، اعضای چنین تشکیلاتی دستگیر شدند(مورگانا، ۲۰۲۰الف: ۶). در واقع از سال ۸۴ که احمدی‌نژاد رئیس جمهور شد محدودیت‌های بیشتری بر فعالیت‌های سازمانی طبقه کارگر و جامعه مدنی در ایران اعمال شد؛ بطوریکه نه تنها وزارت کار در دولت احمدی‌نژاد از به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری مستقل خودداری کرد بلکه رهبران این اتحادیه‌ها اغلب دستگیر و زندانی شدند. به‌همین دلیل سازمان بین‌المللی کار اعلام می‌کرد که خانه کارگر در ایران وابسته به حکومت است و مانع پیوستن ایران به کنوانسیون حق سازمان‌دهی و چانه‌زنی جمعی شد(نعمانی و بهداد، ۲۰۱۲: ۲۲۲). روند به حاشیه راندن سلسله مسائل حوزه کار و کارگری در ایران و کم اهمیت و ابزاری قلمداد کردن آن در تیرماه ۱۳۹۰با تصمیم دولت به کوچک‌سازی خود در قالب ادغام سه وزارت‌خانه‌ی وزارت تعاون، وزارت کار و رفاه و وزارت تأمین اجتماعی در وزارت‌خانه واحدی تحت عنوان "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" و اخذ رأی مثبت مجلس به آن شدت بیشتری یافت(بروجردی و رحیم‌خانی[1]، ۲۰۱۸: ۳۸).



1. Mehrzad Boroujerdi & Kourosh Rahimkhani

[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

## نتیجه

پس از انقلاب مفهوم کار و نیروی کار به تدریج در ذیل گفتمان اسلام سیاسی تعریف شد که نگرشی کل‌گرایانه به جامعه و نیروهای موجود در آن داشت؛ بدین معنا که برای استقلال کارگران و کنش‌گری فعلانه و مستقلانه آنها نه تنها راهی نگشود بلکه با وضع قانون کار، تاسیس نهادهای انقلاب و مفهوم‌سازی تازه(همچون مستضعف) فضا را مسدود نمود. چنین فرایندی جایگاه طبقاتی کارگران را اساساً به رسمیت نشناخت و حرکت در مسیر آگاهی طبقاتی را به مثابه کنش اعتراضی و حتی برهم زننده جدی نظم تلقی نمود.

نگاه آسیب‌شناسانه بدین فرایند حداقل از منظر نظری حائز اهمیت است. عدم شناسایی خاستگاه متفاوت، منافع جمعی و تجربه خاص گامی به سوی جامعه تمامیت‌خواه محسوب می شود که تنوع در عرصه زیست اجتماعی را همچون خطر می‌نگرد. چنین نگرشی در سایر موارد همچون تنوع فرهنگی، قومی و زبانی نیز دیده می‌شود. به تعبیر دیگر چنین نگرشی نشان از ضعف تئوریک رویکردهای کل‌گرایانه است که پاسخ ساده، تک خطی، از بالا به پایین و غالباً سرکوب‌گرانه در مقابل تنوع و تفاوت را تجویز می‌نماید. صورتبندی جدید مسائل اجتماعی-سیاسی و یافتن راه‌حل‌های پیچیده برای عام‌گرایی-خاص‌گرایی آغازی برای شناسایی منافع و علایق طبقاتی است.

در عین حال تحول در درون نظام ارزشی جامعه، تغییر شیوه‌های زیست ضرورت تعریف مفهوم کار در درون گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های جدید را ضروری می‌سازد. هر کدام از گفتمان‌های نو ظهور در جامعه ایران می‌بایست تعریف خاص خود از کار و جایگاه نیروی کار در صورتبندی خود از جامعه را مشخص نمایند و نسبت آن با مفاهیمی مدرن همچون توسعه، حق، شهروندی، عدالت و ... را مشخص نمایند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

## منابع

### منابع فارسی:


احسان‌طلب، محمدمهدی(۱۴۰۰)، «نظام‌های حاکمیتی در جهان( چالش‌ها و راهکارها)»،دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴(۳۵)، ۱۳۶-۱۱۵.

اخوان‌کاظمی،بهرام(۱۳۸۹)،نقد و ارزیابی گفتمان‌های اجتماعی-سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی، تهران:انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اطهری،سیدحسین و عباسی‌شاهکوه،مهدی(۱۳۹۳)،«کنشگر و کنش‌پذیر در بیداری اسلامی از منظر گفتمان امام خمینی»، مطالعات بیداری اسلامی، ۳(۶)، ۳۳-۹.

امیرحسینی،سیما(۱۳۹۵)،ارزیابی عملکرد خانه کارگر در ارتقای رفاه کارگران ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی، گرایش برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

آبراهامیان،یرواند(۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب( ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی)، تهران، ایران: نشر مرکز.

بی‌زبان، علیرضا، و یونجالی،منصور(۱۳۹۵)،«نظم اجتماعی مطلوب؛ ارائه یک مدل تحلیلی برای جامعه نیک»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۷۱، ۱۴۸_۱۰۷.

تاجیک، محمدرضا و رضازاده، خسرو(۱۴۰۱)،«تحلیل قدرت مولد فوکویی از منظر گفتمان(مطالعه موردی:تبیین سیاست خارجی ج.ا.ا. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، ۱۳(۴)، ۱۲۳-۹۳.

جوادی،علی محمد و ملکی،امیر(۱۳۹۹)،«فراتحلیل کیفی آراء صاحبنظران طبقه اجتماعی در ایران(با تأکید بر طبقه متوسط)»، جامعه‌شناسی تاریخی، ۱۲(۲)، ۱۶۹-۱۳۹.

حافظیان، فاطمه(۱۳۸۰)،تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران، تهران: اندیشه برتر.

حبیب زاده،افشین(۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی طبقه کارگر در ایران، تهران:نشر کویر.

خسروی، حسن،وفایی یگانه، رضا و میرمحمدی،محمد(۱۳۸۷)،بررسی نقش تشکل‌های کارگری در تحولات بازار کار و اعتصابات کارگری،تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

خلجی، عباس و جنتی‌پور، رضا(۱۳۸۹)،«تحول ماهیت و کارکرد تشکل‌های کارگری در ایران پس از انقلاب اسلامی»، نشریه مطالعات تاریخی_نظامی، شماره ۷و۸، ۱۲۲-۹۹.

عظیمی‌دولت‌آبادی،امیر(۱۳۹۹)،«جایگاه اقشار محروم و مستضعف در اندیشه اجتماعی امام خمینی»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۰(۱۹)، ۹۴-۷۱.

زدلاچک،توماس(۱۳۹۶)، اقتصاد خیر و شر: از گیل گمش تا وال استریت(ترجمه احد علیقلیان)، تهران:نشر نو.

سلطانی،سید علی اصغر(۱۳۸۴)، قدرت،گفتمان و زبان(سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)،تهران: نشر نی.

شهرام‌نیا،امیرمسعود و نظیفی‌نائینی،نازنین(۱۳۹۲)،«تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵(۲)، ۲۱۷-۱۹۷.



فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام





[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

صالحی، امیرعباس و طالب‌زاده، حمید(۱۳۹۹)، «تحلیل بنیادین هگل از کار در بخش خدایگانی و بندگی پدیدارشناسی و نقد مارکس از آن و برنهادن پراکسیس به مثابه بنیانی جدید در افق فکر هگل»، پژوهش‌های فلسفی، ۳۰، ۱۶۴-۱۴۲.
عظیمی، غلامرضا(۱۳۹۴)، «تطورات مفهوم طبقه در اندیشه‌های مارکسیستی با تأکید بر آرای رایت»، جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۳)، ۱۴۲-۱۱۵.
فلور، ویلم(۱۳۷۱). اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، (ترجمه ابوالقاسم سری)، تهران: توس.
قادری، حاتم(۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: سمت.
کلارک، باری(۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، (ترجمه عباس حاتمی)، تهران،: کویر.
لاجوردی، حبیب(۱۳۶۹)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، تهران: نشر نو.
مرادخانی، علی و شهبازی، آویسا(۱۳۹۱)، «هگل و اقتصاد سیاسی»، غرب‌شناسی بنیادی، ۳(۱)، ۹۴-۷۷.
نظری، علی اشرف، چراغی، حسین، و مقصودی، مجتبی(۱۴۰۰)، «رویکرد جنبش‌های اجتماعی و سندیکاهای کارگری پس از انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۴)، ۷۵-۴۹.
نظری، حامد، امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و علی‌حسینی، علی(۱۴۰۰)، «هویت، گفتمان و سیاست‌گذاری ج.ا.ا در جهان اسلام»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۴)، ۴۷-۲۳.
نعمانی، فرهاد و بهداد، سهراب(۱۳۸۶)، طبقه و کار در ایران، (ترجمه محمود متحد)، تهران: آگاه.
نوح هراری، یوال(۱۳۹۷)، ۲۱ درس برای قرن بیست و یکم، (ترجمه سودابه قیصری)، تهران: نشر کتاب پارسه.
وارد، گلن(۱۳۸۳)، پست مدرنیسم، (ترجمه قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی)، تهران: نشر ماهی.

## منابع انگلیسی:

Baris Kilinc, Dogan (2006), Labor, leisure and freedom in the philosophies of aristotele ,Karl Marx and Herbert Marcuse, Master's thesis, Middle East technical university, Ankara,Turkey.

Barkhordari, Aref(2022), "A short history of Liberalism in contemporary Iran", constitutional political economy,33(2), 200-216.

Boroujerdi, Mehrzad, & Rahimkhani, Kourosh(2018),Post revolutionary Iran: a political handbook.New York, Syracuse: Syracuse university press.

Hashemi, Manata(2018), "Tarnished work:dignity and labour in Iran", British journal of Middle Eastern studies, 47(5), 1-16.

Maloney, Suzanne(2010), "The revolutionary economy",Center for Middle East policy at the Brookings institution, 1-7.

Moaddel, Mansoor(1991), "Class struggle in post revolutionary Iran", International journal of Middle East studies, 23(3), 317-343.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]

Morgana, M. Stella (2018), "The Islamic republican party of Iran in the factory:control over workers discourse in posters(1979-1987)". Iran, 56(2), 237-249.

Morgana, M. Stella(2019), "Talking to workers: from Khomeini to Ahmadinejad, how the Islamic republic's discourse on labor changed through May Day speeches(1979-2009)",Iranian studies, 52(1-2), 133-158.

Morgana, M. Stella (2020), "Produce and consume in the Islamic republic: the 1990s myth of the winner in the Iranian public sphere and its impact on workers",International journal of Middle East studies, 52, 340-344.

Morgana, M. Stella (2020), "Precarious workers and neoliberal narratives in post revolutionary Iran: top-down strategies and bottom-up responses", Middle East institute publication, pp.1-7.

Nomani, Farhad, & Behdad, Sohrab(2012), "Labor rights and the democracy movement in Iran: building a social democracy",Northwestern journal of international human rights, 10(4), 212-230.

Parsi, Rouzbeh(2012), "Iran: a revolutionary republic in transition",European Union institute for security studies, chaillot papers, 128.

Sayers, Sean(2007), "The concept of labor: Marx and his critics",Science and society, 71(4), 431-454.

Theocarakis, j. Nicholas(2010), "Metamorphoses: the concept of labour in the history of political economy",The economic and labour relations review, 20(2), 7-38.

**به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:** DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۶

فروتن، فاطمه؛ توانا، محمدعلی (۱۴۰۳)، «نقش گفتمان اسلام سیاسی در تحول مفهومی «کار» و پرولتاریازدایی از نیروی کار در ایران پس از انقلاب» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۶۲-۱۳۱.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-09-13 ]